

بررسی تأثیر الگوهای کالبدی نظام استقرار بر اجتماع پذیری فضا در معماری هورامان

یوسف حمه جانی^{*}، قادر بایزیدی^{**}، جلیل سبحانی^{***}

1396/10/03

تاریخ دریافت مقاله:

1396/12/21

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

برقراری سطح مناسبی از تعاملات جمعی در محیط‌های زندگی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی، متأثر از ویژگی‌های محیط انسان‌ساخت می‌باشد. تعامل اجتماعی با یکدیگر و مشاهده فعالیت‌های متنوع مردم، با وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری به رشد فردی و اجتماعی انسان کمک می‌کند اما امروزه به‌دلیل ورود مظاهر نوگرایی به بسیاری از سکونتگاه‌های انسانی و عدم وجود الگویی مدون برای نوسازی و بهسازی، شاهد تغییرات کالبدی در فضاهای باز و از بین رفتن بافت‌های محلی و به تبع آن کاهش تعاملات اجتماعی هستیم. فقدان ارتباطات اجتماعی علاوه بر تأثیرات مخرب فردی، باعث مشکلات اجتماعی نظیر کاهش حس سرزندگی، افزایش جرم‌خیزی، کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی و ... می‌شود. بنابراین هدف اصلی این پژوهش شناسایی و تدوین الگوهای کالبدی نظام استقرار و چگونگی تأثیر آن‌ها بر اجتماع‌پذیری فضا در ساختارهای معماری هورامان‌تخت می‌باشد چراکه استفاده از آن‌ها در برنامه‌های آتی نوسازی و بهسازی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر میزان تعاملات اجتماعی داشته باشد. بر این اساس روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی و نیز مشاهدات میدانی است. بخش نهایی این مقاله نشان می‌دهد که چگونه نظام استقرار در محیط انسان‌ساخت اثر معناداری بر ارتقای اجتماع‌پذیری فضاهای کالبدی دارد و الگوهای این نظام گاه به تنهایی و گاه در ترکیب با یکدیگر می‌توانند در کمیت و کیفیت اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی در هورامان اثرگذار باشند.

کلمات کلیدی: نظام استقرار، محیط انسان‌ساخت، اجتماع‌پذیری، تعاملات اجتماعی، هورامان‌تخت.

^{*} گروه معماری، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

^{**} استادیار گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. q_bayzidi@iausdj.ac.ir

^{***} استادیار گروه اجتماعی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

این مقاله برگرفته از رساله دکترای نویسنده اول تحت عنوان «معنا کاوی در معماری از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی (مطالعه موردی: ساختارهای معماری هورامان تخت کردستان ایران)» است که به راهنمایی دکتر قادر بایزیدی و مشاوره دکتر جلیل سبحانی در دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج به انجام رسیده است.

مقدمه

کنکاش در قابلیت‌های فضای معماری ساخته شده در سکونتگاه‌های انسانی دارای اهمیت ویژه‌ای است چرا که برقراری سطح مناسبی از تعاملات اجتماعی در محیط‌های زندگی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی متأثر از ویژگی‌های محیط انسان‌ساخت می‌باشد (دانشگرمقدم، بحرینی، عینی‌فر، 1390: 27) و با درک چگونگی ارتباط محیط انسان‌ساخت و روابط اجتماعی میان افراد می‌توان معماران و طراحان را در جهت طراحی مناسب چنین فضاهایی یاری رساند (محمدی، آیت‌اللهی، 1394: 79). شهر بستری است که وقوع دیدارها را میسر می‌سازد. سکونتگاهی اجتماعی است که عالی‌ترین تعاملات و مراودات انسانی در آن صورت می‌پذیرد. به‌واقع عرصه‌ها و فضاهای عمومی، به‌عنوان گستره‌هایی که زمینه رفع نیازهای انسانی را فراهم می‌آورند، شناخته شده‌اند. این عرصه‌ها به‌واسطه ایجاد ارتباط و تعامل منطقی میان انسان و محیط‌زیست طبیعی و مصنوع اطراف او پویایی، سرزندگی و آرامش روحی را به انسان امروزی هدیه می‌دهند. محیط‌هایی سازنده که بستری را فراهم می‌آورند که هر انسانی برای درک موقعیت خود و محیط اطرافش به آن نیاز دارد. اما آنچه هم‌اکنون در شهرها قابل مشاهده است دیگر هیچ شباهتی به معنای واقعی فضای شهری ندارد و رفته رفته از بعد معنایی و اجتماعی آن کاسته شده و تنها کالبدی از آن باقی مانده است (علیمردانی، مهدی‌نژاد، افهمی، 1394: 5). فضاهای شهری به‌واسطه عدم حضور شهروندان به‌مرورزمان، بعد اجتماعی خود را از دست داده‌اند. در واقع این فضاها به‌جای آن‌که مردم را به مکث، حضور و برقراری مراودات اجتماعی دعوت کنند، به عبور تشویق می‌کنند و دیگر تجربه برخورد با دیگران، حس تعلق به جامعه، دیدارهای چهره به چهره

و تعاملات اجتماعی به‌درستی اتفاق نمی‌افتد» (شجاعی، پرتوی، 1394: 94). همچنین، به‌دلیل ورود مظاهر نوگرایی به بسیاری از سکونتگاه‌های انسانی و عدم وجود الگویی مدون برای نوسازی، شاهد تغییرات کالبدی در فضاهای باز و از بین رفتن بافت‌های محلی و به‌تبع آن کاهش تعاملات اجتماعی هستیم. فقدان ارتباطات اجتماعی علاوه بر تأثیرات مخرب فردی، باعث مشکلات اجتماعی نظیر کاهش حس سرزندگی، افزایش جرم‌خیزی، کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی و ... می‌شود. بر این اساس و با توجه به این‌که یکی از ویژگی‌های محیط انسان‌ساخت الگوهای نظام استقرار می‌باشد، هدف اصلی این پژوهش شناسایی و تدوین الگوهای کالبدی ناشی از نظام استقرار در ساختارهای معماری هورامان و بررسی رابطه آن با میزان اجتماع‌پذیری فضا می‌باشد. بدین ترتیب نوشتار حاضر در پی درک رابطه مذکور، این پرسش‌های اساسی را مطرح می‌نماید که: 1. کدام الگوهای کالبدی نظام استقرار در معماری هورامان تخت قابل شناسایی هستند؟ 2. هرکدام از ویژگی‌های این نظام استقرار چگونه بر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری و میزان تعاملات اجتماعی در هورامان تأثیر می‌گذارند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی و نیز مشاهدات میدانی انجام شده است و از شاخه مورد پژوهی است چراکه شامل روش‌هایی است که هدف آن توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است و تحلیلی است زیرا با استفاده از روش پژوهش موردی، میزان تأثیرپذیری مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری از الگوهای کالبدی وضع موجود را بررسی می‌کند. در گام نخست، مبانی نظری و مؤلفه‌های مؤثر بر اجتماع‌پذیری فضا از طریق مطالعات

به بررسی نقش عوامل کالبدی در اجتماع‌پذیری سکونتگاه‌های غیررسمی و ارائه راهکارهایی برای ساماندهی کالبد فضاهای عمومی در جهت حضور پذیری و ارتقای تعاملات اجتماعی در این سکونتگاه‌ها پرداخته‌اند (علیتاجر، سجاذزاده، سعادت‌ی وقار و شهبازی، 1395). همچنین شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی عنوان پژوهشی است که توسط بهزادفر و طهماسبی (1392) انجام شده و در آن بر نقش و قابلیت‌های طراحی محیط کالبدی و کیفیت عملکردی فضا در ارتقای تعاملات اجتماعی تأکید شده است و افرادی چون متیو کارمونا⁴ و همکاران (1391) در آثار خود به رابطه معیارهای بعد اجتماعی با فضای شهری و چگونگی استفاده از این معیارها در طراحی پرداخته‌اند. بنتلی⁵ (1985)، علی مدنی‌پور (1392)، فرانسیس تیبالدز⁶ (1387) و بسیاری از طراحان شهری به اهمیت بعد اجتماعی و تأثیر آن بر فضای شهری، استفاده از مفاهیم ادراکی و انسانی در شکل دادن به فضای شهری و درنهایت ایجاد شهری انسان‌مدار پرداخته‌اند اما الگوهای نظام استقرار یکی از مواردی است که توجه به نقش و جایگاه آن در اجتماع‌پذیری فضا مغفول مانده و کمتر مورد کنکاش قرار گرفته است. بر این اساس پژوهش حاضر بر ابعاد کالبدی متأثر از نظام استقرار و تأثیر آن‌ها بر ارتقای اجتماع‌پذیری فضا در محدوده پژوهش تمرکز دارد.

مؤلفه‌های مؤثر بر اجتماع‌پذیری

امروزه ابعاد انسانی فضاهای عمومی بیش از هر زمان دیگر مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گرفته و مردم نیز مشتاقانه به حضور و مشارکت در چنین فضاهایی پاسخ مثبت داده‌اند (Gehl, 2004). فضاهای عمومی فضاهایی هستند که افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در آن سهیم هستند «و از نظر فعالیتی

کتابخانه‌ای و با استناد به منابع معتبر داخلی و خارجی استخراج گردیده و در ادامه با استفاده از پیمایش میدانی در یک نمونه موردی (معماری هورامان‌تخت)، الگوهای استقرار فضایی در محدوده مورد مطالعه، تدوین و در گام نهایی از طریق تحلیل و به روش استدلال منطقی تأثیر الگوهای نظام استقرار بر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری و میزان تعاملات اجتماعی، موردسنجش و ارزیابی قرار گرفت.

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

میزان اجتماع‌پذیری فضا متأثر از عوامل گوناگون و پیچیده کالبدی، اجتماعی و فعالیتی (شجاعی و پرتوی، 1394: 99) می‌باشد و پژوهش‌های گوناگونی در مورد چگونگی ارتباط بین محیط انسان‌ساخت و روابط اجتماعی، از سوی افراد مختلف انجام گردیده است که با مطالعه پیکربندی فضا و انتظام فضایی، به چگونگی تعامل آن با ساختارهای اجتماعی و رفتارها و فعالیت‌های کاربران فضا دست یافته‌اند (Hiller & Hanson, 1984). شناخت و معرفی ویژگی‌های کالبدی فضای جمعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در ایجاد تعاملات اجتماعی و ارتقای اجتماع‌پذیری فضا از جمله مباحثی است که پژوهش‌های بسیاری را به خود اختصاص داده است (Alexander, 1968 & Hall, 1982 & Lang, 1994 و شولتز¹، 1384، دانشپور و چرخچیان، 1386، گل، 1387 و شجاعی و پرتوی، 1394)، همچنین در مورد امنیت به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی هر اجتماع، مؤلفه‌های ایجاد امنیت و بررسی ارتباط بین امنیت و اجتماع‌پذیری از پژوهش‌هایی است که از لحاظ کمی، زیاد به آن پرداخته شده است (Howard, 1999 & Newman, 1996 و پاکزاد، 1385، ماندل²، 1387، جیکویز³، 1388 و ایزدی و حقی، 1394). مطالعاتی نیز

می‌توانند جهت تأمین یک فعالیت ویژه طراحی و برنامه‌ریزی شوند و یا آن‌که مانند میداين و پلازها دارای تنوع کالبدی و فعالیت و در نتیجه اجتماع‌پذیری بیشتر باشند» (Car, 1982). جیکوبز نظریه پرداز بزرگ شهری در کتاب زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا، امنیت را از فاکتورهای اصلی ارتقای حیات اجتماعی می‌داند و معتقد است از نشانه‌های یک ناحیه شهری موفق آن است که فرد در خیابان‌های مملو از بیگانگان احساس امنیت فردی و اطمینان کند. وی همچنین چشم‌های ناظر را برای افزایش امنیت محیط مطرح می‌کند (جیکوبز، 1388). مسئله نظارت طبیعی اجتماعی نیز همان‌طور که در نظریه «چشم‌های خیابان» جین جیکوبز اشاره شده است از عوامل اجتماعی تأثیرگذار در احساس امنیت است که بر فرایند نظارت و کنترل فضا دلالت دارد (ضابطیان، 1387: 46). در این خصوص لینچ نیز نظارت و کنترل را از مؤلفه‌های شکل خوب شهر بر می‌شمارد (لینچ⁷، 1395). تأکید بر حرکت پیاده در اجتماع‌پذیری فضای عمومی، عامل مهمی به‌شمار می‌رود. آموس راپاپورت خاستگاه تصورات مردم را نقشه‌های ذهنی آن‌ها می‌داند و حرکت در محیط را نقطه شروع مهم‌ترین عامل شناخت محیط و ساخت نقشه ذهنی می‌شناسد، به‌ویژه برای حرکت پیاده که امکان برداشت تصاویری کامل‌تر از محیط را دارد (Rappaport, 1980). دعوت‌کننده بودن فضاهای عمومی و دسترسی آسان به این فضاها بر حضور مردم در فضا تأثیر بسزایی دارد. دسترسی به فضاهای عمومی به معنای پذیرا بودن حضور اجتماعی افراد در خود است (Car, 1982). همچنین نفوذپذیری فضا و دسترسی بصری به آن با توجه به این‌که امکان اجتناب از جرم یا فعالیت‌های نامطلوب را به‌ویژه در زنان و کودکان فراهم می‌کند (شجاعی و

پرتوی، 1394: 96) می‌تواند تأمین‌کننده امنیت و به تبع آن از مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری فضا گردد. فرم، هندسه، نظم، هماهنگی، تشخیص، هارمونی، تنوع ابعاد و تناسبات و سایر ابعاد زیبایی‌شناسانه (دانشپور و چرخچیان، 1386: 25) و ارتباط فعال با محیط و عناصر طبیعی در مجاور فضاهای فعالیت (محمدی و آیت‌اللهی، 1394: 79)، از عوامل کالبدی مؤثر بر بُعد اجتماع‌پذیری فضا هستند. به عبارتی دیگر مشخصه‌ها و ویژگی‌های فضاها در ارتباط با بستر طبیعی، حضور عناصر طبیعی در فضا، چشم‌اندازهای طبیعی، ادراک مستقیم رویدادهای طبیعی در فضای فعالیت، آسایش متأثر از تعادل متغیرهای فیزیکی محیط مانند دما، تهویه طبیعی و ...، استفاده از مصالح طبیعی براساس جوهره مصالح، بر موقعیت و کیفیت کانون فعالیت‌های جمعی در سطح خانواده در فضای زندگی تأثیر می‌گذارند (دانشگرمقدم، بحرینی و عینی‌فر، 1390: 33). همچنین اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی، در یک فضای اجتماعی حمایت‌کننده در کنار تأمین آسایش فیزیولوژیکی (Lang, 1994) میسر خواهد بود. چند عملکردی بودن فضاهای شهری یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت این فضاها می‌باشد. این کیفیت فضایی سبب می‌گردد که با وجود طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های مختلف، گروه‌های متفاوت به فضا جذب گردند و فضا از دیدگاه افراد گوناگون مطلوب ارزیابی گردد. وجود کاربری‌های متفاوت در کنار هم به‌دلیل تأمین نیازهای روزمره شهروندان مانند تفریح و خرید، سبب افزایش مطلوبیت فضای شهری و رضایتمندی کاربران از این فضاها می‌گردد (بهارستانی و چرخچیان، 1393). همچنین برخی از صاحب‌نظران مانند یان بتلی و همکارانش در کتاب محیط‌های پاسخده، خوانایی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ایجاد محیط‌های پاسخده بیان

در استان‌های کردستان و کرمانشاه و بخش دیگر آن در شرق اقلیم کردستان در کشور عراق واقع شده است (حمه‌جانی، بایزیدی، سحابی، 1397: 21). هورامان استان کردستان واقع در شهرستان سروآباد شامل دو بخش هورامان‌تخت به مرکزیت شهر هورامان تخت و هورامان ژاورود می‌باشد. بخش هورامان‌تخت دارای دو دهستان با یازده روستا است که تقریباً اکثر آن‌ها در اطراف رودخانه سیروان قرار گرفته‌اند. مطالعه حاضر به دهستان هورامان‌تخت اختصاص دارد که شامل پنج روستا است. اسامی این روستاها عبارت‌اند از: ویسیان، سرپیر، هورامان‌تخت، گماله، ری‌وری (تصویر شماره 1).

مدل مفهومی تحقیق

در جهت نیل به اهداف پژوهش و شناسایی الگوهای استقرار در ساختار معماری هورامان‌تخت و بررسی تأثیر آن‌ها بر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری فضا، مدل مفهومی تحقیق به شکل نمودار شماره 1 قابل تدوین است.

یافته‌ها و بحث

شاید در اولین برخورد با معماری کوهستان، چیزی که به ذهن می‌رسد، ساخت فضای حداقل برای یک زندگی ساده باشد اما در کنکاش‌های عمیق، وجود یک هوش جمعی کارآمد و زیبا، در پس کالبد این معماری، مشهود است. آن‌چنان‌که هر امری از چندین زاویه بررسی شده و مناسب‌ترین گزینه اجرا می‌شود (معماریان، عظیمی، کیودی، 1393: 56). روستا مجموعه‌ای نیست که از اجزا تشکیل شده باشد. بلکه یک پدیده واحد است. محدودیت روش مطالعه علمی، ما را مجبور به تجزیه روستا به اجزا و عوامل مؤثر در شکل‌گیری کالبد روستا و طبقه‌بندی آن‌ها می‌کند (حاجی ابراهیم زرگر، 1386: 31). بر همین اساس در این پژوهش یکی از جنبه‌های معماری هورامان، تحت عنوان الگوهای نظام استقرار و میزان تأثیرگذاری آن بر اجتماع‌پذیری فضا، مورد بررسی قرار گرفت.

کرده‌اند (بتلی و همکاران، 1382). با وجود آن‌که نظریه‌پردازان این حوزه، به طیف گسترده‌ای از مباحث و مسائل مربوط به اجتماع‌پذیری پرداخته‌اند، اما با توجه به گستردگی و چندوجهی بودن آن تاکنون توافق عملی بر سر مؤلفه‌های اساسی این بُعد از فضا حاصل نشده است. بنابراین تمسک به چند مؤلفه اصلی که در رویکردهای مختلف این حوزه دارای اهمیت بیشتری بوده است و بر آن توافق نظر نسبی وجود دارد، ممکن می‌گردد (جدول شماره 1).

ابعاد	مؤلفه	معیار
اجتماع‌پذیری	اجتماعی	دسترسی اجتماعی
		اشتیاق مردم به حضور در فضا
		تعاملات اجتماعی (تصادفی و سازمان‌یافته)
انسانی	ادراکی	امنیت
		خووانایی (ادراک عمومی و بصری)
		آسایش روانی
عملکردی	-	سرزندگی
		فعالیت‌پذیری
		اختلاط کاربری
		همه‌شمول بودن
		انعطاف‌پذیری
		اشتغال فعال
کالبدی	کالبدی-فضایی	راحتی فیزیکی
		انسجام فضایی
		نفوذه‌پذیری بصری (خووانایی)
		دسترسی کالبدی
	پایداری	کیفیت زیبایی (جاذبه بصری)
		تشخص
		ادراک طبیعت در محیط انسان‌ساخت
		آسایش اقلیمی
		تعامل با محیط طبیعی

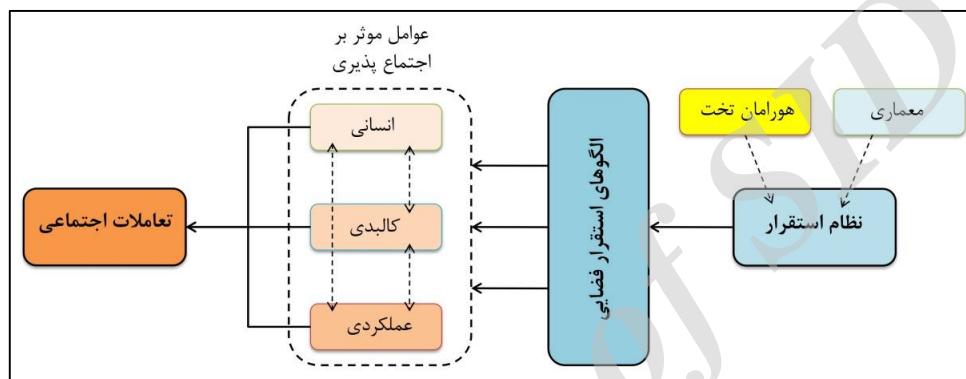
ج 1. ابعاد، مؤلفه‌ها و معیارهای مؤثر بر اجتماع‌پذیری فضا. مأخذ: نگارندگان.

محدوده پژوهش

منطقه تاریخی هورامان یک محدوده جغرافیایی کوهستانی، با وسعتی برابر 1840 کیلومتر مربع (محمودی، 1395: 38) است که بخشی از آن در ایران،



ت 1. نقشه موقعیت جغرافیایی روستاهای محدوده مورد مطالعه. مأخذ: حمه جانی، بایزیدی، سبحانی، 1396: 52.



ن 1. مدل مفهومی و چارچوب نظری تحقیق. مأخذ: نگارندگان.

مؤلفه‌های کالبدی و معیارهای اجتماع‌پذیری منتج از این الگوها تشریح می‌گردد که جمع‌بندی آن در جدول شماره 2 ارائه شده است.

الف- الگوهای کلی استقرار بافت

قرارگیری بافت عمومی روستاها در شیب‌های تند رو به جنوب

در هورامان‌تخت، روستاها بافت پیچیده‌ای از خانه‌هایی هستند که بر دامنه شیب کوه قرار گرفته‌اند اما در نتیجه تجربه و خرد جمعی در طول زمان، عامل محدودکننده شیب به یک فرصت تبدیل و بافت عمومی روستاها در هماهنگی با عوامل محیطی، در شیب‌های تند رو به جنوب استقرار یافته و کلیتی متمایز که دارای انسجام فضایی است، خلق نموده‌اند. این الگوی کلی استقرار، ضمن سازگاری با محیط از نظر اکولوژیکی

تحلیل کالبدی الگوهای استقرار

کنش‌های متقابل عوامل متعدد طبیعی و محیطی و رابطه پیچیده آن‌ها، از فاکتورهای اصلی در چگونگی استقرار سکونتگاه‌های روستایی می‌باشند. در این منطقه، محیط انسان‌ساخت در یک بستر طبیعی و در تعامل و سازگاری کامل با عوامل و عناصر آن و با در نظر گرفتن ملاحظات هنری و زیبایی‌شناختی شکل گرفته و طبیعت به بخشی جدایی‌ناپذیر از معماری تبدیل شده است. در ساختارهای معماری پنج روستای مورد مطالعه در دهستان هورامان‌تخت، سه الگوی کلی نظام استقرار، تحت عناوین: الف- الگوهای کلی استقرار بافت، ب- الگوهای استقرار دسترسی و ج- الگوهای استقرار اکولوژیکی، شناسایی و تدوین گردید که در ادامه خلاصه‌ای از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق در زمینه

باعث شده است تا واحدهای مسکونی با دارا بودن دید و منظر مناسب نسبت به مناظر طبیعی ضلع شمالی و روستا، هیچ‌گونه اشرافیتی نسبت به واحدهای مسکونی دیگر نداشته باشند.

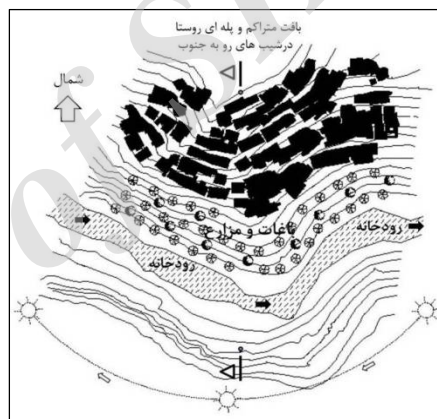
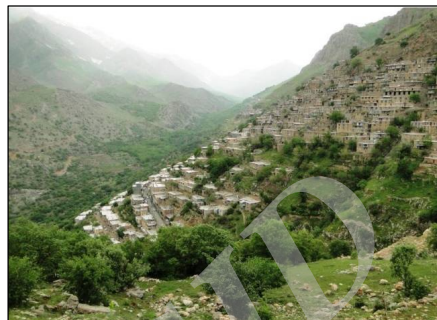
مؤلفه‌های کالبدی منتج از الگوی استقرار	معیارهای اجتماع‌پذیری محقق شده از مؤلفه‌های کالبدی	الگوهای کالبدی نظام استقرار در ساختارهای معماری هورامان تخت
سازگاری اکولوژیکی با محیط دید و منظر مطلوب معماری پلکانی	آسایش اقلیمی کیفیت زیبایی (جاذبه بصری) (عدم اشرافیت) آسایش روانی	قرارگیری بافت عمومی روستاها در شیب‌های تند رو به جنوب
انسجام کالبدی بافت	تشخص	استقرار بافت روستایی به صورت یک کلیت واحد و الگو مدار برای ناظر خارج بافت
ترکیب معماری با طبیعت انطباق بر خطوط میزان	ادراک طبیعت در محیط انسان‌ساخت تعامل با محیط طبیعی	استقرار محیط انسان‌ساخت در طبیعت و در تعامل با عناصر طبیعی
وجود سازه مشترک	اجتماعی بودن ساختار معماری (تعاملات اجتماعی)	اشتراک بخشی از سازه بین واحدهای مسکونی شمالی و جنوبی
دید و منظر مطلوب ارتباط مستمر بصری با طبیعت	کیفیت زیبایی (جاذبه بصری) خوانایی (ادراک عمومی و بصری)	توجه به خط آسمان و گستردگی زاویه دید برای ناظر داخل بافت
دید و منظر مطلوب ارتباط مستمر بصری با طبیعت	کیفیت زیبایی (جاذبه بصری) سرزندگی ادراک طبیعت در محیط انسان‌ساخت	احداث باغات و مزارع در دامنه‌های جنوبی سکونتگاه‌ها
انطباق بر خطوط میزان ایجاد سهولت در دسترسی	تعامل با محیط طبیعی دسترسی کالبدی	همخوانی معیار اصلی با شیب
افزایش سطح معابر	دسترسی کالبدی	استقرار ردیف بناهای مسکونی در میان دو معبر شمالی و جنوبی
افزایش سرانه فضاهای حرکتی تنوع عملکردی	دسترسی کالبدی اختلاط کاربری	استفاده از بام بناها به عنوان معبر عمومی (معبر/بام)
معماری اجتماعی تنوع عملکردی	همه‌شمول بودن تعاملات اجتماعی	کاربرد بام واحد جنوبی به عنوان حیاط واحد شمالی (حیاط/بام)
افزایش سرانه فضاهای عمومی ایجاد واحدهای همسایگی	تعاملات اجتماعی دسترسی کالبدی	عدم مرزبندی بین حیاط واحدهای هم‌جوار و معبر عمومی (حیاط/معبر)
نظارت اجتماعی طبیعی بر فضاهای عمومی و معابر	امنیت	دسترسی بصری فضاهای مسکونی به معابر عمومی
بافت متراکم	آسایش اقلیمی	بافت متراکم و درهم تنیدگی واحدهای مسکونی در بافت روستا
سازگاری با محیط طراحی اقلیمی	آسایش اقلیمی	ردیف‌های پیوسته بناها در امتداد شرقی-غربی
تطابق با بستر ترکیب معماری با طبیعت	آسایش اقلیمی تعامل با محیط طبیعی	قرارگیری ضلع شمالی بناها در خاک
عدم سایه‌اندازی طراحی اقلیمی	آسایش اقلیمی	عدم سایه‌اندازی بناهای جنوبی بر معابر و بناهای شمالی

ج 2. جمع‌بندی مؤلفه‌های کالبدی و معیارهای اجتماع‌پذیری منتج از الگوهای کالبدی نظام استقرار. مأخذ: نگارندگان.

پیروی از خطوط میزان محدب شیب‌های تند رو به جنوب و در مقطع الگوی پلکانی است (تصویر شماره 2). این الگوی ساختاری موجب خواهد شد تا بافت مذکور برای ناظر خارجی به یکباره و یکجا قابل مشاهده بوده و از تمامی جهات دارای یکپارچگی بصری

استقرار بافت روستایی به صورت یک کلیت واحد و الگو مدار برای ناظر خارج بافت بافت روستاهای مورد مطالعه ضمن دارا بودن تراکم زیاد از الگوی خاص و منسجمی جهت شکل‌گیری و توسعه پیروی نموده‌اند. الگوی این بافت‌ها در سایت،

باشد. نگین‌وارگی و تشخیص کالبدی از خصوصیات این کلیت واحد و الگو مدار است که با دارا بودن قابلیت ادراک و خوانایی از دید و مقیاس انسانی، می‌تواند یک تصویر ذهنی مطلوب از سکونتگاه خلق نماید.



همچنین استفاده از گیاهان و گل‌های زینتی در هورامان، در بخش‌هایی از بناها (مانند بالکن‌ها و لبه پنجره‌ها) که برای ناظر خارجی امکان رؤیت آن وجود دارد بسیار معمول و رایج است. همچنین کاشت درختان و درختچه‌های بالارونده‌ای مانند انگور و پیچک نیز در معابر و چسبیده به بناها قابل مشاهده است.

اشتراک بخشی از سازه بین واحدهای مسکونی

شمالی و جنوبی

در هورامان برای تعامل بیشتر معماری با شیب و استفاده حداکثر از زمین، شیوه استقرار برخی از واحدهای شمالی در یک معبر به گونه‌ای است که بخشی از سازه و اسکلت آن با واحد جنوبی مشترک و یا مستقیماً روی آن بنا می‌شود. به عبارتی دیگر برخی از واحدهای مسکونی با واحدی دیگر، عناصر سازه‌ای مشترک دارند. وجود سازه مشترک برای دو یا چند واحد مسکونی که در امتداد عمود بر خطوط میزان قرار گرفته‌اند نشانه‌ای از وجود نوعی تعامل بین ساکنین یک واحد همسایگی و اجتماعی بودن ساختار این معماری است.

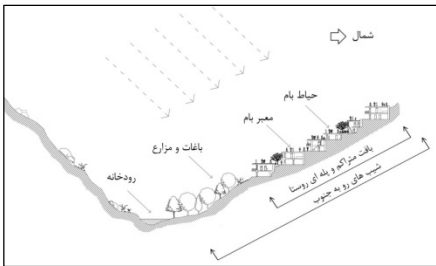
توجه به خط آسمان و گستردگی زاویه دید برای ناظر داخل بافت

وجود خط آسمان زیبا و منظم، بی‌شک یکی از مؤثرترین عوامل در نظم دهی به فضاهای شهری است. به‌طور کلی خط آسمان باید منظم، خفته و به صورتی پیوسته باشد که با ایجاد یک کریدور دیداری چشم را به سمت عناصر شاخص هدایت کند. نحوه استقرار کلی بافت روستایی و تعداد طبقات واحدهای مسکونی در این منطقه به گونه‌ای است که ناظر در هر نقطه‌ای از بافت می‌تواند خط آسمانی هماهنگ و موزون را مشاهده کند. نقاط شاخص و نشانه‌ها در این خط آسمان کوه‌ها هستند که به خوانایی و جهت‌یابی کمک

ت 2. هورامان تخت؛ مشابهت الگوی عمومی استقرار بافت روستاهای مورد مطالعه در سایت و چگونگی تعامل آن‌ها با عوامل طبیعی. مأخذ: نگارندگان.

استقرار محیط انسان‌ساخت در طبیعت و در تعامل با عناصر طبیعی

دقت و کاوش در چگونگی فعالیت‌های جمعی و فردی در سطح خانواده و جامعه در هورامان نشان می‌دهد کانون‌های فعالیت در زندگی روزمره محیط‌های مسکونی در نقاطی از فضا قرار دارند که کیفیت ادراک محیط بیرون و عناصر طبیعی در آن فضاها، وضعیت بهینه‌ای را به نسبت دیگر فضاهای زندگی دارا هستند.



ت 3. هورامان تخت؛ مشابهت الگوی عمومی استقرار بافت روستاهای مورد مطالعه در مقطع. مأخذ: نگارندگان.

استقرار ردیف بناهای مسکونی در میان دو معبر شمالی و جنوبی

شیب زیاد بستر شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها، سبب شده است تا واحدهای مسکونی شمالی و جنوبی در دو تراز کاملاً متفاوت احداث شوند. به‌گونه‌ای که هر ردیف بنای گسترش یافته در جهت شرق به غرب، بین دو معبر شمالی و جنوبی قرار گیرد و این امر عملاً موجب سهولت در دسترسی و نفوذپذیری کالبدی بافت شده است.

استفاده از بام بناها به‌عنوان معبر عمومی (معبر/بام)

شیوه استقرار و تعامل سازنده با شیب تند بستر طبیعی کالبد روستاها در هورامان باعث شده است تا ساکنان بتوانند حداکثر استفاده را از فضاهای منفی ناشی از این شیوه استقرار ببرند. مکانیابی و ساخت بناهای مسکونی در شیب‌های تند بستر روستاها به‌گونه‌ای است که بام آن‌ها در ردیف‌های به هم پیوسته شرقی-غربی به‌عنوان

بسیاری می‌کنند. ختم شدن نگاه ناظر به این عنصر شاخص موجب می‌گردد تا ارتباط مستمر با طبیعت در هر زاویه‌ای از دید ایجاد گردد. یکی دیگر از عوامل ایجاد ارتباط بصری با طبیعت (باغات و مناظر اطراف)، گستردگی زاویه دید برای ناظرین می‌باشد.

احداث باغات و مزارع در دامنه‌های جنوبی سکونتگاه‌ها

توجه به جایگاه رودخانه و باغات جنوبی در مکان‌یابی روستا، از وجوه نظام استقرار این معماری است. احداث باغات و کاشت گیاهان مثمر در دامنه جنوبی سکونتگاه‌های روستایی در هورامان علاوه بر ایجاد ارتباط مستمر با طبیعت و عناصر طبیعی و خلق دید و منظری مطلوب برای ساکنین، مفاهیمی همچون مفید بودن، پربرکت بودن، زایش مجدد، زندگی دوباره و نهایتاً تمایل به حضور بیشتر و مستمر در فضا را تداعی می‌نماید.

الگوهای استقرار دسترسی

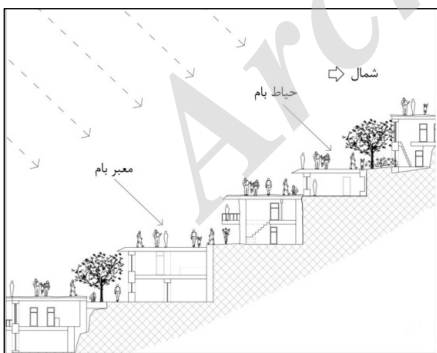
همخوانی معابر اصلی با شیب

شبکه معابر درون بافت روستاها به‌دلیل برقراری ارتباط بین انواع فضاهای فعالیت و کاربری‌ها مختلف اهمیت زیادی دارند. برقراری ارتباطی مناسب و مؤثر برای جامعه روستایی در دستیابی به مقاصد درون بافت مستلزم در نظر گرفتن معیارها و خصوصیاتی برای معابر است که علاوه بر تمایلات جامعه از عوامل و شرایط محیطی نیز تأثیر می‌پذیرند. الگوی شبکه معابر روستایی در فضایی متأثر از دخالت عوامل محیطی به‌ویژه شکل ناهمواری زمین روستا و تمایلات اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی شکل می‌گیرد. استقرار همه روستاهای مورد مطالعه در شیب‌های تند باعث شده است تا الگوی شبکه معابر اصلی درون بافت، با حداقل دخالت در محیط طبیعی و با هدف ایجاد سهولت در دسترسی، کاملاً بر خطوط میزان بستر روستا منطبق گردند (تصویر شماره 3).

حیاط/بام‌ها محل انجام فعالیت‌های خدماتی روزمره واحدها هستند عدم وجود هیچ‌گونه مانع بصری و حرکتی در این حیاط/بام‌ها باعث خواهد شد که واحدهای همسایگی متعددی در امتداد مسیرهای دسترسی ناشی از این حیاط/بام‌ها برای افزایش تعاملات اجتماعی بین همسایگان خلق شود.

دسترسی بصری فضاهای مسکونی به معابر عمومی

نحوه قرارگیری بناها با توجه به مقطع ترسیم شده در تصویر شماره 4 نسبت به معابر به‌گونه‌ای است که از بازشوهای بر جنوبی واحدهای مسکونی امکان نظارت اجتماعی طبیعی بر فضاهای عمومی و معابر برای ساکنین به راحتی میسر است و احساس امنیت در فضای عمومی از پیامدهای مثبت این نحوه استقرار می‌باشد.



ت 4. هورامان تخت؛ مشابهت الگوهای استقرار بناها و معابر نسبت به هم در روستاهای مورد مطالعه. مأخذ: نگارندگان.

یک معبر عمومی برای حرکت و دسترسی به سایر فضاها و کاربری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحقق این امر موجب خواهد شد تا علاوه بر افزایش سرانه فضاهای عمومی و حرکتی در بافت و ایجاد سهولت در حرکت و دسترسی پیاده، فضای بام از نظر عرفی دارای مالکیت عمومی باشد. احساس مالکیت عمومی فضای بام باعث استفاده راحت‌تر و بیشتر از آن خواهد شد و موجب حضور پذیری فضا و افزایش تعاملات خواهد شد.

کاربرد بام واحد جنوبی به عنوان حیاط واحد شمالی (حیاط/بام)

عموم ساکنان واحدهای مسکونی از معابر عمومی جنوبی خود به عنوان حیاط و برای انجام کارهای روزمره و خدماتی و همچنین دسترسی و ورودی اصلی استفاده می‌نمایند، این در حالی است که معبر جنوبی هر واحد همان‌طور که در بالا ذکر گردید بام واحدهای جنوبی‌تر می‌باشد. به بیانی ساده‌تر بام واحدهای جنوبی به عنوان حیاط و فضای فعالیت خدماتی روزمره واحدهای شمالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. حضور پذیری بیشتر فضاهای باز و به تبع آن افزایش تعاملات اجتماعی بین ساکنین واحدهای شمالی و جنوبی از پیامدهای مثبت این امر محسوب می‌گردد.

عدم مرزبندی بین حیاط واحدهای هم‌جوار و معبر عمومی (حیاط/معبر)

عدم مرزبندی بین حیاط واحدها و معبر عمومی به معنای انعطاف‌پذیری عملکردی بوده و عملاً سرانه فضاهای عمومی و حرکتی در بافت را افزایش خواهد داد و سهولت در حرکت و دسترسی به سایر کاربری‌ها را راحت‌تر خواهد نمود. ترکیب شدن حیاط و معبر باعث افزایش ملاقات‌های روزانه و نهایتاً اجتماع‌پذیری بیشتر فضا خواهد شد. همچنین به دلیل این‌که

ج- الگوهای استقرار اکولوژیکی

بافت متراکم و درهم تنیدگی واحدهای مسکونی در بافت روستا

در هورامان همانند سایر مناطق کوهستانی، بافت روستاها به گونه‌ای شکل می‌گیرد که در مقابل ورودت زیاد هوا در فصول سرد سال مقاوم باشد لذا مشاهده می‌شود که بافت روستاها کاملاً متراکم و فشرده است و واحدهای مسکونی در اضلاع غربی و شرقی چسبیده به هم هستند تا مانع از اتلاف گرمای داخلی و نفوذ سرمای خارجی شوند.

ردیف‌های پیوسته بناها در امتداد شرقی-غربی

چسبیدگی واحدهای مسکونی در اضلاع شرقی و غربی به همدیگر، ردیف‌های پیوسته‌ای از بناها را که کشیدگی آن‌ها در جهت شرقی-غربی و همخوان با خطوط میزان است ایجاد کرده تا بدین وسیله بدنه جنوبی واحدهای مسکونی، بیشترین بهره را از انرژی گرمایی خورشید در فصول سرد ببرند و ضمن سازگاری با محیط، به نوعی آسایش اقلیمی و طراحی اکولوژیکی دست یابند.

قرارگیری ضلع شمالی بناها در خاک

همچنین ضلع شمالی واحدهای مسکونی، هم به جهت تطابق با بستر و هم در راستای جلوگیری از اتلاف انرژی در داخل زمین قرار می‌گیرد. هم‌جواری این ضلع با خاک به نوعی متعادل‌کننده هوای سرد زمستان و هوای گرم تابستان است.

عدم سایه‌اندازی بناهای جنوبی بر معابر و بناهای شمالی

به دلیل اختلاف سطح موجود بین تراز نهایی بناهای مسکونی در مقاطع شمالی-جنوبی، هیچ‌گونه سایه اندازی بر معابر و بناها وجود ندارد و در تمام طول روز

امکان تابش آفتاب بر معابر و بدنه‌های جنوبی و بام بناها وجود دارد.

تحلیل اجتماع‌پذیری متأثر از الگوهای نظام استقرار با توجه به بررسی‌های انجام‌گرفته در خصوص الگوهای نظام استقرار و مؤلفه‌های مؤثر بر اجتماع‌پذیری فضا نتایج ذیل حاصل گردید:

- الگوهای نظام استقرار در این معماری با توسل به یک نوع طراحی اکولوژیکی و سازگاری با محیط در پی ایجاد آسایش اقلیمی و به تبع آن، تأمین آسایش جسمی و آرامش روانی انسان است. آسایش متأثر از تعادل متغیرهای فیزیکی محیط و تداوم و پایایی آسایش افراد در محیط از عوامل ایجاد فضاهایی با میزان حضورپذیری بیشتر برای انسان می‌باشد.

- امکان تجربه و دریافت محیط و عناصر طبیعی در محیط انسان‌ساخت به مثابه قابلیت محیط بر چگونگی نظام‌های فعالیت و سامانه‌های رفتاری در محیط مؤثر می‌باشد و علاوه بر این که باعث افزایش هیجان، سرزندگی، دعوت‌کنندگی و ایجاد تجربه‌های خوشایند می‌گردد، موجب پدید آمدن کیفیتی در فضا می‌شود که بر اشتیاق به فعالیت‌های جمعی از سوی ساکنین در آن فضا مؤثر است.

- ایجاد دید و منظر مطلوب، چشم‌اندازهای طبیعی، انسجام فضایی، خوانایی محیط کالبدی و تشخیص و نگین‌وارگی محیط انسان‌ساخت، مولد و تضمین‌کننده احساسات، تجارب و ادراکات نمادین و زیبایی‌شناسانه است که به مثابه کیفیاتی در محیط، ادراکات کاربران را تحت تأثیر قرار می‌دهند و از عوامل تأثیرگذار بر میزان حضورپذیری فضا و به تبع آن افزایش تعاملات اجتماعی می‌باشند.

- امنیت که از فاکتورهای اصلی در ارتقای کیفیت حیات جمعی و از نشانه‌های یک سکونتگاه موفق است

نتیجه

کنش‌های متقابل عوامل متعدد طبیعی و محیطی، مناسبات معیشتی و تعاملات اجتماعی و رابطه پیچیده آن‌ها، از فاکتورهای اصلی در چگونگی استقرار سکونتگاه‌های روستایی می‌باشند. در معماری هورامان، محیط انسان‌ساخت در یک بستر طبیعی و در تعامل و سازگاری کامل با عوامل و عناصر آن و با در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی، اکولوژیکی، هنری و زیبایی‌شناختی شکل گرفته است و طبیعت به بخشی جدایی‌ناپذیر از معماری تبدیل شده است. در اینجا هر سویی، چشم‌انداز است و منظر عمومی یا طبیعت ناب، یا "مکانی" در دل طبیعت که از عناصر طبیعت و در ترکیبی هم‌آوا با طبیعت قابل رؤیت است. در این معماری، بافت در طبیعت پیرامونش مستحیل می‌شود و در گفتگویی هم‌آوا با طبیعت و انسان هویت می‌یابد و ضمن رعایت پیوستگی و اصل مجاورت ابنیه، منظرهایی بی‌نهایت باز را در افق دید انسان فراهم می‌نماید. معماری هورامان پدیده‌ای است برای تشویق انسان به تعامل با دیگران و ترغیب او برای حضور در فضا. پس این معماری، معماری حضور است. حضورپذیری و هویت اجتماعی معماری هورامان، حاصل ترکیبی همگون و هم‌افزا از تجربه و تفکر انسانی در تعامل با طبیعت و در جهت سودمندی اجتماعی در طول زمان است. به عبارتی این هم‌آوایی عناصر و عوامل طبیعی، مصنوعی و انسانی از منظر نظام استقرار، طرحی قابل تأویل از یک پدیده اجتماعی را روایت می‌کنند که هدف اصلی آن افزایش سطح تعاملات اجتماعی و ارتقای کیفی حیات جمعی انسان‌ها است (نمودار شماره 2). به بیانی دیگر، نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از آن است که الگوهای نظام استقرار

به واسطه نظارت طبیعی اجتماعی بر فضاها عمومی محقق شده است. احساس امنیت علاوه بر آنکه آرامش را به ارمغان می‌آورد، سطح تعاملات و فعالیت‌های اجتماعی ساکنین را نیز افزایش می‌دهد و در نهایت احساس مطلوبیت و رضایت محیطی را در بین آن‌ها تقویت می‌نماید.

- نفوذپذیری بصری و سهولت در حرکت مهم‌ترین عامل شناخت محیط و ساخت نقشه ذهنی است، به‌ویژه برای حرکت پیاده که امکان برداشت تصاویری کامل‌تر از محیط را دارد. به عبارت دیگر هر چه بافت یک محله برای ساکنان قابل فهم‌تر و خواناتر باشد در شکل‌گیری تصویر ذهنی ساکنان و مقبولیت آنان مؤثرتر خواهد بود. اطمینان خاطر که شهروند از خوانایی شهر خود به دست می‌آورد، نه فقط تبعات روانی بلکه تبعات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز دارد.

- وجود الگوی ویژه معبر/ حیاط/ بام، به‌عنوان بخشی از فضای عمومی، افراد را به‌صورت اختیاری و برای انجام فعالیت‌های روزمره، معیشتی و اجتماعی گرد هم می‌آورد و با داشتن قابلیت فعالیت پذیری و امکان اختلاط کاربری‌های مختلف، محل مناسبی را برای برخوردهای چهره به چهره، ارتباط افراد با یکدیگر و نهایتاً برقراری و ارتقای تعاملات اجتماعی فراهم می‌کند.

- در سکونتگاه‌های روستایی هورامان تخت معبر، فضای "حضور" است و صرفاً محلی برای رفت‌وآمد یا "عبور" به‌شمار نمی‌آید. در چنین معابری عناصر اجتماعی، تاریخی، شخصیتی، هویتی و طبیعی، ملموس و مورد توجه بوده و معنا پیدا می‌کند و باعث لذت بردن از حضور در فضا و تداوم حضور اجتماعی فعال در آن خواهد شد.

در شب، افزایش فضاهای سبز در درون بافت و نصب سکوه‌های مناسب برای نشستن و ...، به‌عنوان گستره‌هایی که زمینه رفع نیازهای انسانی را فراهم می‌آورند و تأثیرات مثبتی در افزایش تعاملات اجتماعی دارند.

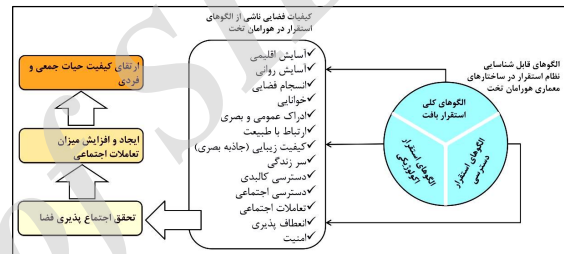
پی‌نوشت

1. Christian Norberg-Schulz
2. Robert Mandel
3. Jane Jacobs
4. Matthew Carmona
5. Ian Bentley
6. Francis Tibbalds
7. Kevin Lynch

فهرست منابع

- ایزدی، محمدسعید؛ حقی، محمدرضا. (1394)، ارتقای احساس امنیت در فضاهای عمومی با بهره‌گیری از طراحی شهری، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره 20، شماره 2، صص 12-5.
- بتلی، ای‌بن، الکک، آلن، مورین، پال، مک‌گلین، سو، اسمیت، گراهام. (1382)، محیط‌های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه: مصطفی بهزادفر، چاپ پنجم، انتشارات علم و صنعت، تهران.
- بهارستانی، رضا؛ چرخچیان، مریم. (1393)، بررسی نقش فضاهای چند عملکردی در مطلوبیت فضاهای شهری؛ نمونه موردی: خیابان مطهری رشت، اولین همایش ملی در جستجوی شهر فردا و اکاوی مفاهیم و مصادیق در شهر اسلامی - ایرانی، شرکت دیبا افق رایا، تهران.
- بهزادفر، مصطفی؛ طهماسبی، ارسلان. (1392)، شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، دوره 10، شماره 25، صص 17-28.
- تیبالدز، فرانسیس. (1387)، شهرسازی شهروندگرا، ترجمه: محمد احمدی‌نژاد، نشر خاک، اصفهان.
- جیکوبز، جین. (1388)، مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ امریکا، ترجمه: حمیدرضا پارسی، آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- حاجی ابراهیم زرگر، اکبر. (1386)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، چاپ چهارم، چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

در ساختار معماری هورامان تخت در سه دسته از الگوهای کلی استقرار بافت، الگوهای استقرار دسترسی و الگوهای استقرار اکولوژیکی قابل شناسایی و ارزیابی است و یافته‌های حاصل از ارزیابی هرکدام از دسته‌های سه‌گانه نظام استقرار با تحقق مؤلفه‌های کیفی فضا همچون امنیت، خوانایی، آسایش اقلیمی و ... بر میزان اجتماع‌پذیری فضا و تعاملات اجتماعی تأثیر مثبت دارند و به‌واسطه ایجاد ارتباط و تعامل منطقی میان انسان و محیط‌زیست طبیعی و مصنوع اطراف او، پویایی، سرزندگی و آرامش روحی را به انسان امروزی هدیه می‌دهند.



ن 2. تأثیر الگوهای نظام استقرار بر حیات جمعی و فردی در هورامان. مأخذ: نگارندگان.

در راستای یافته‌های تحقیق و جلوگیری از مخاطرات کالبدی در بافت روستاهای مورد مطالعه موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- 1- شناخت، تدوین و ابلاغ خصوصیات الگوهای نظام استقرار و تدقیق میزان و نحوه تأثیر آن‌ها بر اجتماع‌پذیری فضا، به متولیان و برنامه‌ریزان طراحی و ساخت در منطقه مورد مطالعه.
- 2- تعیین ضوابط مربوط به حفاظت و اجرای الگوهای اصیل استقرار معماری هورامان، در جهت حفظ و تداوم ارزش‌های اجتماعی و حیات مدنی در این بافت‌های روستایی در برنامه‌های توسعه و تغییر کالبدی.
- 3- توجه به کمیت و همچنین کیفیت‌بخشی به عرصه‌ها و فضاهای عمومی در بافت (نورپردازی

- حمه‌جانی، یوسف، بایزیدی، قادر، سحابی، جلیل. (1396). مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی معماری هورامان تخت از منظر نشانه‌شناسی. ماهنامه علمی پژوهشی باغ نظر، دوره 14، شماره 57، صص 45-62.
- حمه‌جانی، یوسف؛ بایزیدی، قادر؛ سحابی، جلیل. (1397). نشانه‌شناسی مراسم آیینی پیر شالیار در منظر فرهنگی هورامان. ماهنامه علمی پژوهشی باغ نظر، دوره 15، شماره 67، صص 17-30.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ چرخچیان، مریم. (1386). فضاهاى عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، دوره 4، شماره 7، صص 19-28.
- دانشگر مقدم، گلرخ؛ بحرینی، سید حسین؛ عینی‌فر، علیرضا. (1390). تحلیل اجتماع‌پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان‌ساخت (مطالعه موردی نمونه‌های مسکونی شهر همدان)، نشریه هنرهای زیبا، دوره 3، شماره 45، صص 27-38.
- شجاعی، دلارام؛ پرتوی، پروین. (1394). عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقای اجتماع‌پذیری در فضاهاى عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهاى عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه 7 تهران)، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، دوره 12، شماره 34، صص 93-108.
- شولتز، کریستیان نوربرگ. (1384). معماری، حضور، زبان و مکان، ترجمه: علیرضا احمدیان، انتشارات نیلوفر، تهران.
- ضابطیان، الهام. (1387). شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط شهری، پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- علیتاجر، سعید؛ سجادزاده، حسن؛ سعادت‌تی و قار، پوریا؛ شهبازی، مهرداد. (1394). نقش عوامل کالبدی در اجتماع‌پذیری سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: محله‌های حصار امام خمینی و دیزج همدان)، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره 7، شماره 24، صص 61-82.
- علیمردانی، مسعود، مهدی نژاد، جمال‌الدین، افهمی، طلبعه. (1394). رشد کیفی فضای شهری به‌منظور ارتقای تعاملات اجتماعی (نمونه موردی خیابان احمدآباد مشهد)، نشریه تخصصی هنرهای کاربردی، دوره 4، شماره 7، صص 5-24.
- کارمونا، متیو، هیت، تیم، تیسدل، استیون، تنراک. (1391). مکان‌های عمومی فضاهاى شهری. ترجمه: فریبا قرایی، مهشید شکوهی، زهرا اهری، اسماعیل صالحی، دانشگاه تهران.
- گل، یان. (1387). زندگی در فضای میان ساختمان‌ها، ترجمه: شیما شصتی، چاپ اول، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- لینچ، کوین. (1395). تئوری شکل شهر، ترجمه: سید حسین بحرینی، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ماندل، رابرت. (1387). چهره متغیر امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی، تهران.
- محمدی، محمد؛ آیت‌اللهی، محمدحسین. (1394). عوامل مؤثر در ارتقای اجتماع‌پذیری بناهای فرهنگی بررسی موردی: فرهنگسرای فرشچیان اصفهان، نشریه نامه معماری و شهرسازی، دوره 8، شماره 15، صص 79-96.
- محمدی، محمد. (1395). فرهنگ جغرافیایی هورامان. چاپ اول، انتشارات کردستان، سنندج.
- مدنی پور، علی. (1392). طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندی اجتماعی - مکانی، ترجمه: فرهاد مرتضایی، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
- معماریان، غلامحسین؛ عظیمی، سیروان؛ کبودی، مهدی. (1393). ریشه‌یابی کاربست رنگ آبی در پنجره‌های ابنیه مسکونی (نمونه موردی: ابنیه مسکونی اورامان)، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره 1، شماره 3، صص 46-59.
- Alexander, C. & Ishikawa, S. & Silverstein, M. (1968), A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction. Berkeley: Center for Environmental Structure.
- Car, S. (1982), Some Criteria for Environment form. In Kaplan, S. & R. Kaplan, R. (Eds). Humanscape: Environments for People, Ulrichs Books, Michigan.com.
- Hall, E. T. (1982), The Hidden Dimension, Anchor Books, Doubleday, New York.
- Hiller, B. & Hanson, J. (1984). The Social Logic of Space, Cambridge University Press, London.
- Howard, J. (1999), FEAR OF CRIME. Society Of Alberta, www.elsevier.
- Jan, G. & Gemzoe, L. (2004). Public Space, Public Life: The Danish Architectural Press.
- Lang, J. (1994), Urban Design: American experience. Van W. W. Norton Nostrand Reinhold.
- Newman, O. (1996), Creating Defensible Space. New York: Macmillan. Department of Housing and Urban Development, Washington, D.C, U.S.
- Rappaport, A. (1980), Pedestrian Street Use, Culture & Perception. In A. Vernez Moudon (ED.), public streets for public use. (pp. 80-92), Van Nostrand Reinhold, New York.